

زمان دست دوم

سرپنته نا آکسیوید

مترجم. شیرام همت زاده

عضو هیئت علمی، دانشگاه شهید بهشتی

آکسیویچ، سویتلانا.
زمان دست دوم / سویتلانا آکسیویچ؛ ترجمه شهرام همتزاده
تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۶.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۹۴۳-۸
فراکمونیسیم، روسیه (فدراسیون). تاریخ شفاهی، روسیه.
تاریخ شفاهی، روسیه شوروی. روسیه، اوضاع اجتماعی.
روسیه شوروی، سرگذشته. همتزاده، شهرام. مترجم.
۱۳۹۶ ع ۷۶/۷/۵۱۰ DK
۴۹۷/۰۸۶۰۹۲۲
۴۹۹۹۲۱۷

زمان دست دوم

سویتلانا آکسیویچ

ترجمه از روسی: شهرام همتزاده

دبیر مجموعه: مجتبی راشدی

طرح جلد از فرزاد ادیبی

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۱۶۶ ۱۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۹۴۳-۸

چاپ و ویراسته: سییدار

نیستان: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳

۷۰۰۰ تومان

ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲

www.neyestanbook.com

این اثر با رعایت حق کپی‌رایت و دریافت حق

انتشار انحصاری آن در ایران به چاپ رسیده است

Время секунд хэнд, Время, Москва, 2013

С.А. Алексиевич

فهرست

۷.....	مقدمه مترجم.....
۱۵.....	مقدمه نویسنده.....
۳۵.....	فصل اول: آرامشی آخرالزمانی.....
۳۷.....	از هیاهوی خیابان تا گپ و گفت آشپزخانه‌ای (۱۹۹۱-۲۰۰۱).....
۷۳.....	ده داستان در جو و فضایی سرخ.....
۷۳.....	زیبایی دیکتاتوری و راز پروانه‌ای محبوب در سیمان.....
۱۴۱.....	برادران و خواهران، جلادان و قربانیان و رأی محاکمان.....
۱۶۱.....	نجوا و فریاد... درباره شور و شغف.....
۱۹۱.....	مارشال تنهای سرخ و سه روز انقلابی فراموش شده.....
۲۵۱.....	خوبی خاطرات و عمق مفاهیم.....
۲۸۹.....	تورات و مؤمنانی از جنس دیگر.....
۳۲۵.....	خشونت آتش و نجات در اوج.....
۳۶۳.....	حلاوت رنج و درد و سلیقه روح روس.....
۴۰۳.....	آنگاه که کشتن مخلوق خدا، خدمت به خدا دانسته می‌شود.....
۴۲۳.....	پرچم کوچک سرخ و لبخند تبر.....

فصل دوم: جذابیتِ تو خالی.....	۴۷۹
از هیاهوی خیابان تا گپ و گفت آشپزخانه‌ای (۲۰۱۲-۲۰۰۲).....	۴۸۱
۱۰ داستان بدون جو و فضایی خاص.....	۵۰۵
مارگاریتا و ابوالفضل، رومئو و ژولیتی دیگر.....	۵۰۵
مردمی که پس از کمونیست، مردم دیگری شدند.....	۵۲۹
تنهایی یعنی خودِ خوشبختی.....	۵۵۳
میل به کشتن و ترس از داشتن چنین آرزویی.....	۵۷۵
پیرزنی با موهای بافته و دختری زیبارو.....	۵۹۹
غمی ناشناس، ودیعهٔ خداوند در ورودی خانهٔ شما.....	۶۳۳
زندگی نسبت بار و صد گرم خاکستر نرم در گلدانی سفید.....	۶۵۳
سکوتِ مردگان و سکوتِ گردوغبار.....	۶۶۹
تاریکی افروخته که «زندگی دیگری می‌توان از آن ساخت».....	۶۹۹
شجاعت و پیاده‌هاش.....	۷۲۹
منابع و مآخذ.....	۷۵۳

مقدمه مترجم

باز هم سخن از تاریخ پرفراز و فرود روسیه به میان می‌آید. راویان لب به سخن می‌کشند و بخش‌هایی از تاریخ روسیه را در دوران شوروی و پسا شوروی باز می‌نویسند. افرادی با دیدگاه‌های مختلف، از موضوعی یکسان صحبت می‌کنند.

کتاب حاضر نتیجه ۱۰ سال تلاش مداوم نویسنده و سفرهای او به شهرهای مختلف شوروی - دانه را یافان افادی است که از آن دوره سخن می‌گویند.

در ۱۷۹۹ آلکساندر پوشکین نویسنده و شاعر معروف روس (۱۷۹۹-۱۸۳۷) در اثر معروفش، «دختر کازان» آورده است: «خداوند ما را از طغیان بی‌احساس و بی‌رحم روس‌ها نجات دهد». در میان ما، آنهایی که برای ایجاد اغتشاش بی‌سرانجام توطئه می‌کنند، یا جوان هستند و مردم ما را نمی‌شناسند یا انسان‌هایی سنگدل هستند که به اندازه دانه ارزن برای زندگی خود و دیگران ارزش قائل نیستند.

هشتاد سال پس از کشته‌شدن پوشکین، آنچه از آن هراس داشت به وقع پیوست. انقلاب روسیه به ثمر نشست و پیش‌بینی او محقق شد. کشور روسیه که در مسیر ترقی و پیشرفت قرار داشت، در چنگال یکی از مخوف‌ترین و خبیث‌ترین نظام‌های تاریخ گرفتار شد. افسارگسیختگانی که کینه‌ای دیرینه از انسان‌های شریف داشتند، یک‌شبه بر مصدر کار قرار گرفتند و قتل و غارت را پیشه خود کردند. سال‌ها پس از انقلاب اکتبر،

همین افراد به دو گروه تقسیم شدند: کمونیست‌های محافظه‌کار و دموکرات‌های اصلاح‌طلب. ولی جنگ بر سر غنائم به‌دست‌آمده از مردم روسیه، همچنان ادامه یافت. روشنفکران خودفروخته و عامل سیه‌روزی مردم، از جهنمی‌ترین نظام حاکم بر کشور دفاع کردند. مردم روسیه هم که غرق در ابتذال اخلاقی بودند و به چیزی جز منافع لحظه‌ای و مقطعی خود نمی‌اندیشیدند، مانند یک روسپی، شبی در آغوش کمونیست‌ها و شبی در آغوش دموکرات‌ها به سر می‌بردند. هرچند حمایت از محافظه‌کاران کمونیست - جدا از به‌حق بودن یا نبودنشان - تا حدودی ترجیه‌پذیر بود و ریشه در اعتقادات برخی مردم معتقد داشت، ولی حمایت از ده‌ها کرات‌های اصلاح‌طلب و فرصت‌طلب بی‌اخلاق، توجیهی نداشت. نادران که از چاقوکشان سابق و اصلاح‌طلبان امروز دفاع می‌کردند، هرگز تک جزئیات‌های آنها سهیم شدند و این‌گونه، اتحاد جماهیر شوروی پس از سال‌ها حاکمیت سیاه فروپاشید و جامعه‌ای که در ابتذال اخلاقی مطلق به سر می‌برد، روزبه‌روز بیشتر در آن غرق شد.

وقتی بوران انقلاب ۱۹۱۷ روسیه را دربرگرفت، قتل و غارت و جنایت انقلابیون هم افزایش یافت. چندی بعد لنین به علت بیماری از صحنه سیاسی کشور خارج شد و در سال ۱۹۲۴ درگذشت. کشمکش‌ها برای جانشینی او، جز یارگیری، توطئه و دیس‌اف‌ایز، بانفوذ علیه یکدیگر نتیجه‌ای در پی نداشت. تروتسکی، زیناویف، کاهینف، بوخارین، استالین و خیلی‌های دیگر درگیر نبرد قدرت شدند، ولی در نهایت استالین به واسطه دوراندیشی بیشتر و مخفی کردن وصیت‌نامه لنین تا لحظه مرگ (در آن وصیت‌نامه لنین به استالین تاخته بود و خواستار فاصله گرفتن از قدرت، به دلیل خشونت بیش‌ازحدش شده بود) پیروز این چالش شد. زندانی شدن یک‌سوم ملتی، در تاریخ امری بی‌بدیل است. شمار زیادی به دلیل کیش‌پرستی استالین، به بهانه‌های مختلف و واهی، راهی سبیری، تبعید و کار اجباری شدند.

پس از استالین، خروشچف به قدرت رسید که هم‌زمان بر مفاهیمی

چون «استالین‌زدایی» و «اصلاح‌طلبی» تأکید داشت؛ اما دوران قدرت او هم دیری نپایید و در سال ۱۹۶۴ در پی توطئه سران حزب از قدرت برکنار و تا آخر عمر در حبس خانگی ماند و وقتی در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۱ در سن ۷۷ سالگی درگذشت، جنازه‌اش با مراقبت و کنترل شدید دفن شد و حتی خانواده‌اش اجازه شرکت در مراسم نداشتند.

پس از خروشیچف، برژنف با همکاری تنی چند از اعضای حزب کمونیست شوروی، از جمله «سوسلوف» نظریه‌پرداز حزب، در سال ۱۹۵۴ حکومت ۱۸ ساله خود را آغاز کرد و رکورددار طولانی‌ترین دوران زمامداری در شوروی، بعد از استالین شد. برخلاف دوره خروشیچف که علاوه بر نام دیکتاتوری حزب کمونیست، مقام نخست‌وزیری شوروی را هم از سال ۱۹۵۸ را داشت (همانند استالین) این بار اعضای حزب تصمیم گرفتند نوعی تقسیم قدرت در حزب به وجود بیاورد. در نتیجه دبیرکلی حزب به برژنف و نخست‌وزیری شوروی به «کاسیگین» رسید.

در دوره زمامداری برژنف از سیاست‌های محدودی که در دوره خروشیچف به مردم شوروی داده شد، از میان رفت و پروژه استالین‌زدایی خروشیچف کنار نهاده شد؛ اما رکورد دیکتاتوری و جنایت در شوروی، همچنان در دستان استالین بود. سال‌های پایانی رهبری برژنف در رسانه‌های جمعی دوران «رکود» نام گرفت. بحران همگانی، گرایش منفی در اقتصاد، توسعه بیش‌ازحد دستگاه دیوان‌سالاری از ویژگی‌های این دوره است. در دوره زمامداری او، شوروی به افغانستان حمله کرد که بعدها دشواری در پی داشت. برژنف، در سال ۱۹۸۲ پس از چند ماه بیماری درگذشت.

پس از برژنف، یوری آندروپوف، سیاستمدار اهل شوروی دبیرکلی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را برای دو سال عهده‌دار شد که پیش‌ازاین، به مدت ۱۵ سال تصدی ریاست کا.گ.ب. دستگاه امنیتی مخوف اتحاد جماهیر شوروی را در دست داشت. او خروشیچف، دبیرکل وقت حزب کمونیست شوروی را به‌رغم تمایلش متقاعد کرد تا ارتش سرخ را برای قتل عام مردم مجارستان در سال

۱۹۵۶ م. به آن کشور بفرستد. به همین جهت به «قصاب بوداپست» مشهور شد. رهبران قیام مجارستان دستگیر و به‌اتفاق اعدام شدند. آندروپوف از طرفداران سرسخت نظام تک‌حزبی و بااقتدار مطلق حزب کمونیست بود و به همین جهت در درگیری‌های شوروی در ۱۹۶۸ در پراگ، در ۱۹۷۹ در کابل و در ۱۹۸۱ در ورشو معتقد بود، ارتش سرخ باید با اقتدار مداخله کند و از سیاست مشت‌آهین استفاده شود. او که به بیماری قند و نارسایی کلیه مبتلا بود در فوریه ۱۹۸۴ در سن ۶۹ سالگی درگذشت.

دبیرکل بعدی حزب کمونیست کنستانتین چرنینکو بود. او طی دوران زمام‌دارت برزنف در کنفرانس‌های بین‌المللی نزدیک‌ترین همراه او بود و به همین سبب محافل غرب او را «سایه برزنف» می‌نامیدند. چرنینکو پس از ۱۳ ماه کنسول در لندن، در ۱۰ مارس ۱۹۸۵ و در سن ۷۳ سالگی درگذشت. پس از چرنینکو یخچال گورباچف به قدرت رسید که از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود. تلاش‌ها و اصلاحات گورباچف با دکتري در خانه پرو، ستوریکا (اصلاحات اقتصادی) و گلاسنوست (فضای باز سیاسی) در جنگ سرد خاتمه داد و درنهایت، سبب فروپاشی شوروی شد.

تحقیقات در این حوزه حاکی از آن است، انقلاب اکتبر در روسیه انقلابی ناکام و غیرضروری بود و نتیجه‌ای بر ناپایداری امپراتوری روسیه و آرمان‌های آن دربر نداشت. روشنفکران خودفرختاری که ملت را به خیابان‌ها کشاندند و ملتی که از روی ناآگاهی و عقده‌های روانی انقلاب کردند، به ناگاه خود قربانی هیولایی شدند که آفریده بودند. رژیم انقلابی جدید، رژیمی ضد بشری، آدمکش و به معنای واقعی کلام، انسان‌ستیز بود. اگر استالین به روستاها برق برد، باسواد را گسترش داد و یکی از مجهزترین متروها را در مسکو ایجاد کرد، هیچ‌کدام از اینها، پوششی برای کشتار میلیون‌ها انسان بی‌گناه در سیبری و ترور مخالفان او در خارج از کشور نبود؛ شگفتا که وقتی استالین درگذشت، میلیون‌ها نفر از مردم

ناآگاه، بی‌فرهنگ و بی‌اخلاق که قربانی اقدامات او بودند، در تشییع جنازه اش شرکت کردند و شمار زیادی در این ازدحام کشته شدند. امر شگفت دیگر آن بود که وقتی خروشچف - جنایتکار و آدمکش سابق - ظرف یک شب ادعای آزادی‌خواهی کرد و به عنوان اصلاح‌طلب، به روی کار آمد و ژست عدالت‌خواهان را گرفت، بخش قابل توجهی از جامعه فاسد روسیه و روشنفکران بی‌وطن آن کشور، جانب وی و اصلاح‌طلبان آدمکش دیگری را گرفتند که علاوه بر سوابق پلیدشان، در همان هنگام نیز، صدها برابر از منافقان داران کمونیست، جانی‌تر، تبهکارتر و بی‌وطن‌تر بودند.

روسیه در نتیجه جنگ‌های جناحی، جناح‌های مافیایی آن کشور که تنها به جیب خود می‌اندیشیدند و مفاهیمی نظیر «کشور» و «ملت» در اندیشه آنها هیچ‌گونه جایگاهی نداشت، هرچه بیشتر در انحطاط اخلاقی و فرهنگی فرو رفت. ملت روسیه، هرچه بیشتر به فساد و فحشا کشیده شد و از آنجا که بی‌انگاری در جامعه گسترش یافته بود، هیچ‌کس در صدد اصلاحات بنیادین نبود. چنین بود که پس از ۷۰ سال از انقلاب ننگین اکتبر، روسیه به ناگاه فرمانشکن و یک‌سوم آن اعلام استقلال کرد؛ اما اتحاد جامعه فاسد و روشنفکران بی‌وطن برای نابودی تتمه آن کشور نیز تداوم یافت. جنایتکاران سابق، به جای آن‌که در دادگاه تاریخ، مجدداً مصدر کار شدند و فساد و فقر و نکبت که در روسیه ادامه یافت...

درباره نویسنده اثر

سویتلانا آلکسیویچ در ۳۱ می ۱۹۴۸ در شهر استانیسلاو در شرق اوکراین، از پدری بلاروسی و مادری اوکراینی متولد شد که هر دو معلم مدرسه بودند و پس از چندی به بلاروس مهاجرت کردند. سویتلانا تحصیلاتش را در سال ۱۹۶۵ به پایان رساند و به عنوان معلم تاریخ و زبان آلمانی و همچنین روزنامه‌نگار مشغول به کار شد. در سال ۱۹۷۲ از دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی بلاروس فارغ‌التحصیل شد و در

روزنامه‌های آن زمان، فعالیت خود را آغاز کرد. در سال ۱۹۸۳ به عضویت «اتحادیه نویسندگان شوروی» درآمد. مدتی در فرانسه و آلمان زیست و از سال ۲۰۱۳ مجدداً به بلاروس بازگشت.

به او لقب «آرشیو حافظه» داده‌اند. کتاب‌های او بر مبنای مصاحبه‌های طولانی با افرادی است که حادثه یا رویداد مهمی را گذرانده‌اند و یا اینکه در زندگی نزدیکان آنها رخ داده است.

شهرت او مرهون آثار مستندی همچون «جنگ چهره زنانه ندارد»، «بچه‌مایی از جنس روی»، «زمزمه‌های چرنوبیل» و «زمان دست دوم» است.

نخستین کتاب او «من از روستا رفتم» مجموعه‌ای از تک‌گویی‌های ساکنان روستای بلاروس است که روستا را ترک کردند و به شهر رفتند. هرچند کتاب در سال ۱۹۷۶ آماده چاپ شد، ولی حزب کمونیست بلاروس، به دلیل محتوای نقادانه آن بر نظام حاکم اجازه چاپ به آن نداد. «جنگ چهره زنانه ندارد» نخستین کتاب او بود که در سال ۱۹۸۳ اجازه انتشار یافت. این اثر رمانی می‌سازد، بر اساس مصاحبه با زنان شوروی است که در جنگ جهانی دوم شرکت داشته‌اند. قهرمانان این کتاب زنانی هستند که به‌عنوان پرستار، خدایان، تک‌تیرانداز، مترجم، پزشک، بیسیم‌چی و... در جنگ حضور داشته‌اند. تجارب خود را از جنگ بیان می‌کنند. هرچند بخش‌هایی از این کتاب هم به نایل سانسور و در چاپ‌های اولیه حذف شدند؛ اما در سال ۱۹۸۵ کتاب کامل با شمار دو میلیون نسخه منتشر و بر اساس آن نمایشنامه‌های زیادی اجرا شد. در طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ هفت مجموعه فیلم مستند، براساس این کتاب توسط کارگردانی به نام ویکتور داشوک تولید شد.

دومین اثر او به نام «آخرین شاهدان» در سال ۱۹۸۵ م. چاپ شد (این کتاب با عناوینی دیگری همچون «تک‌خوانی کودکان»، «صد گهواره بزرگسال»، «صد داستان برای بزرگسالان» نیز منتشر شد) این اثر بر مبنای خاطرات کودکانی بود که در زمان جنگ از ۶ تا ۱۲ سال سن

داشتند.

سومین کتاب سویتلانا، با عنوان «بچه‌هایی از جنس روی» در سال ۱۹۸۹ منتشر شد که به تهاجم نظامی شوروی به افغانستان پرداخته است. دلیل انتخاب این اسمی تابوتهایی از جنس روی بود که جسد سربازان شوروی در آن قرار گرفته و به میهن‌شان بازگردانده می‌شدند. در این کتاب با مادران سربازان کشته‌شده یا سربازان بازمانده از جنگ مصاحبه شده است.

کتاب دیگر او با نام «شیفتگان مرگ» که به خودکشی‌های دوران شوروی می‌پردازد، در سال ۱۹۹۳ چاپ شد.

در سال ۱۹۹۷ کتاب «زمزمه‌های چرنوبیل» منتشر شد. این اثر بر مبنای مصاحبه با شهروندان فاجعه اتمی چرنوبیل تألیف شد. در ادامه عنوان این کتاب نوشته شده «مستنداتی برای آینده» که هم‌زمان نشان‌دهنده دو فاجعه است، فاجعه تکنولوژیکی و فاجعه سوسیالیسم که در پی آن، قاره عظیم سوسیالیستی به زیر آب رفت.

در سال ۲۰۱۳ کتاب «زمان دست‌دراست» منتشر شد که به دردهای انسانی بعد از فروپاشی سوسیالیسم می‌پردازد.

کتاب‌های سویتلانا آلکسیویچ به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، سوئدی، لهستانی، چینی، نروژی، فارسی و بسیاری زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند. آثار او برندهٔ جوایز بسیاری، از جمله جایزه «پیتارک» (۲۰۰۱)، جایزه ملی نقد (ایالات متحده ۲۰۰۶)، نشان خوانندگی (بارها «کتاب بزرگ» (۲۰۱۴) برای کتاب «زمان دست‌دوم» و بسیاری از جوایز دیگر را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۱۳ نیز برندهٔ مدال طلای جمهوری بلاروس با عنوان «برند سال ۲۰۱۳» شد. همچنین در این سال، نامزد دریافت جایزهٔ نوبل ادبی شد. در سال ۲۰۱۵ نیز به دلیل «آثار چندصدایی و خاطرات رنج و شجاعت زمان ما» در کتاب «زمزمه‌های چرنوبیل» جایزه نوبل ادبی را دریافت کرد. او اولین برندهٔ جایزه نوبل در جمهوری بلاروس، اولین نویسنده روس زبان از سال

۱۹۸۷؛ و اولین روزنامه‌نگار طی ۵۰ سال گذشته برای ادبیات مستند بود که موفق به دریافت این جایزه شد.

کتاب «زمان دست دوم» جوایز ادبی مهمی همچون «ریشارد کاپوشینسکی» کشور لهستان در سال ۲۰۱۵ جایزه مدیسی کشور فرانسه در سال ۲۰۱۳ «بالشایا کنیگا» روسیه در سال ۲۰۱۴ و بسیاری دیگر از جوایز بزرگ ادبی دنیا شد. این کتاب، آخرین اثر خانم سویتلانا آلكسیویچ است که در سال ۲۰۱۶ به عنوان یکی از ۱۰ کتاب برتر سال توسط Publishers weekly و Washington Post و بسیاری دیگر از انتشارات و روزنامه‌های معتبر جهانی انتخاب شد. Washington Post درباره این کتاب نوشته شده: «نویسنده این حس صمیمیت را به شما القاء می‌کند که اگر در آشپزخانه نشسته باشید و شخصیت‌ها را مطالعه کنید، با آن‌ها در شادی و رنج‌های‌شان شریک می‌شوید». روزنامه News day نیز نوشته: «اگر بی‌خوابید روسیه معاصر را بشناسید، مطالعه کتاب «زمان دست دوم» برای تان ضروری است».

در پایان لازم به ذکر است، مطالب این اثر درباره وقایع و اشخاص، نظر شخصی نویسنده و مصاحبه‌شوندگان و در راستای رسالت حفظ امانت در ترجمه است و به معنای تأیید و یا رد آنها از سوی مترجم نیست. مترجم این اثر بر خود واجب می‌داند که از آقای دکتر رضوان حسن‌زاده و آقای دکتر امیرعباس امیرشکاری به دلیل بیان نقطه نظرات صائب و کمک‌های بی‌شائبه‌شان صمیمانه تشکر و قدردانی نماید. همچنین باید تشکری ویژه شود از جناب آقای مجتبی راشیدی که از نظرات و کمک‌های بی‌دریغ ایشان در چاپ این اثر، بی‌نهایت بهره‌مند شده.

شهرام همت‌زاده